

تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود

و گزارشگری مالیاتی متهورانه

امیرعلی بندریان^۱، سید علی واعظ^۲، فرامرز مقصودی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۳۱

چکیده

حسابداری محافظه کارانه، دستکاری در اقلام تعهدی و گزارشگری مالیاتی متهورانه از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به منظور انگیزه‌های مالیاتی مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند. شواهد حاکی از این می‌باشد که محافظه کاری ابزاری رایج و قابل قبول برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌باشد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که برخی شرکت‌ها تمایل دارند با استفاده از حسابداری محافظه کارانه، اقدام به گزارشگری متهورانه کرده و از این طریق سود مشمول مالیات خود را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. آزمون فرضیه‌ها از طریق رگرسیون چندگانه و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) و برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲ با استفاده از داده‌های تلفیقی ۱۹۵ شرکت، صورت پذیرفته است. نتایج نشان داد که مطابق فرضیه صرفه جویی مالیاتی، مدیران از اقلام تعهدی برای کمتر کردن و به تعویق انداختن مالیات استفاده می‌کنند. همچنین حسابداری محافظه کارانه نیز از طریق کنترل و شناسایی کمتر سود باعث کمتر نشان دادن مالیات و در نتیجه به تعویق انداختن آن می‌شود. شرکت‌هایی که سودآور هستند، انگیزه دارند تا با تعویق انداختن شناسایی درآمدهای خود، ارزش فعلی مالیات‌های خود را کاهش دهند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری محافظه کارانه، مدیریت سود، گزارشگری مالیاتی متهورانه.

طبقه‌بندی موضوعی: M48

کد DOI مقاله: 10.22051/ijar.2016.2590

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، نویسنده مسئول، (bandari_amirali@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده مدیریت، اقتصاد و علوم اجتماعی،

(vaes@khuzestan.serbia.ac.ir)

^۳ دانشجوی دوره دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، (Maghsuodi@Gmail.Com)

مقدمه

هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود تقسیمی سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیات مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها باشد. لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (متهورانه یا محافظه‌کارانه) از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. بازار سهام همواره نسبت به اعمال معافیت‌های قوانین مالیاتی برای شرکت‌ها واکنش مثبت نشان داده است بدین ترتیب این سیاست‌ها می‌توانند از جنبه هزینه‌های نمایندگی و تئوری نمایندگی نیز مورد توجه و تاکید قرار گیرد. اتخاذ سیاست‌های مالیاتی که در راستای منافع سهامداران نباشد موجب تحمیل هزینه‌هایی تحت عنوان هزینه‌های کارگزاری خواهد شد (فرضیه هموارسازی و مدیریت سود) و عکس‌العمل بازار اوراق بهادار را به دنبال خواهد داشت. مدیران شرکت‌ها ممکن است به منظور حفظ منافع شخصی خود مبادرت به دستکاری ارقام سود نموده و یا به اصطلاح گزارشگری متهورانه مالی داشته باشند. رویه‌های محافظه‌کارانه عاملی مؤثر بر فعالیت‌های مالی و تصمیم‌گیری هستند. تلقی مزبور بر این استدلال استوار است که رویه‌های انتخابی توسط مدیریت، عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به مفهوم حسابداری محافظه‌کارانه، مدیریت باید از یک سو کمترین ارزش ممکن را برای دارایی‌ها و درآمدها و از سوی دیگر بیشترین ارزش ممکن را برای بدهی‌ها و هزینه‌ها گزارش نماید. همچنین، هزینه‌ها را در زودترین زمان ممکن و درآمدها را در دیرترین زمان ممکن شناسایی و در حساب‌ها منظور نماید. بنابراین، تعبیر و تفسیر اطلاعات گزارش‌های مالی مبتنی بر رویه‌های محافظه‌کارانه توسط آگاه‌ترین استفاده‌کنندگان هم، مشکل خواهد بود. علاوه بر این، سود به عنوان نتیجه‌ی نهایی فرآیند حسابداری و اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی، که مورد توجه و تاکید استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری است، ممکن است تحت تاثیر رویه‌های حسابداری انتخابی مدیریت اندازه‌گیری شود، به طوری که با استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه سود را حداقل و زیان را حداکثر نشان دهد (خدای‌پور و ترک‌زاده، ۱۳۹۰).

عوامل متعددی می‌تواند بر مالیات متهورانه اثر بگذارند، برداشت نادرست مودیان از قوانین و مقررات، حساب سازی، اشتباهات سهوی و عمدی هریک از طرفین، عدم قبولی برخی از هزینه‌های متحمل شده شرکت‌ها، عدم قبول رویه مورد استفاده شرکت، مدیریت سود شرکت و عوامل بسیار دیگری که ممکن است بر اختلاف مالیاتی اثر بگذارد. با نگاه به برنامه‌های دولت، جهت کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و افزایش درآمدهای مالیاتی و تقویت این حوزه از اقتصاد، اهمیت شناسایی عواملی که مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهند را بیش از پیش نمایان می‌نماید. گنتز و همکاران (۱۹۷۷) بیان کردند که به سبب اختلاف بین قوانین و مقررات مالیاتی و اصول و موازین پذیرفته شده‌ی حسابداری، ممکن است که آنچه برای مقاصد حسابداری، درآمد و هزینه محسوب می‌شود، الزاماً از دیدگاه قوانین مالیاتی درآمد و هزینه محسوب نگردد. به عبارت دیگر، هدف از تعیین سود در تهیه‌ی صورت‌های مالی از دیدگاه انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری، با هدف از تعیین درآمد مشمول مالیات در قوانین مالیاتی متفاوت است. علاوه بر این، برخی از اقلام درآمد و هزینه که از دیدگاه مقاصد حسابداری در یک دوره مالی شناسایی می‌گردند، ممکن است از لحاظ مقاصد قوانین و مقررات مالیاتی، در دوره‌های مالی دیگر شناسایی شوند و یا اینکه اساساً مبانی ارزشیابی برخی از اقلام بر طبق قوانین و مقررات مالیاتی متفاوت از مبانی تشخیص بر طبق اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری باشد. هر کدام از موارد فوق به بروز اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و در پی آن اختلاف بین مالیات بر درآمد برآوردی اداره مالیات و بدهی مالیاتی مورد نظر شرکت منجر می‌گردد (خدای پور و ترک‌زاده، ۱۳۹۰). اختلافات اساسی بین سود مشمول مالیات و سود گزارش شده به سهامداران (سود حسابداری) را می‌توان تحت دو سرفصل اصلی به شرح زیر طبقه بندی نمود:

الف) اختلاف‌های دائمی: این اختلافات از قوانین خاص یا محدودیت‌ها ایجاد شده، یا بنا به دلایل اقتصادی، سیاسی یا اداری غیر مرتبط با محاسبه سود خالص حسابداری، ناشی شده‌اند. این موارد شامل درآمدهای معاف از مالیات و هزینه‌های غیر قابل قبول از نظر محاسبه سود مشمول مالیات توسط مقامات مالیاتی و تخفیفات مالیاتی خاص و... است.

ب) اختلاف‌های موقتی: دلیل دیگر تفاوت بین درآمد مشمول مالیات و سود حسابداری، وجود پاره‌ای از اقلام است که با وجود منظور شدن در تعیین هر دو مبلغ، در محاسبات

دوره‌های متفاوت منظور می‌شوند. اختلافات موقتی موجب انتقال مالیات بر درآمد از دوره‌ای به دوره دیگر می‌شود، اما جمع مالیات بر درآمد پرداختی طی چند دوره مالی یکسان خواهد بود (خدای پور و ترک‌زاده، ۱۳۹۰).

به طور کلی و با توجه به مطالب مزبور، شرکت‌ها انگیزه دارند تا علاوه بر مدیریت سود و کمتر نشان دادن آن؛ با اعمال حسابداری محافظه کارانه مالیات خود را به تعویق بیندازند. به عبارتی شرکت‌ها می‌توانند از طریق حسابداری محافظه کارانه و مدیریت مالیاتی با استفاده از خلأهای قانونی و قوانین و مقررات و یا تغییر در نوع فعالیت خود، از شناسایی و پرداخت مالیات اجتناب نمایند. با توجه به این مطالب، هدف این پژوهش بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق

دولت‌ها در قبال مردم در خصوص برآورده ساختن برخی نیازها و خواسته‌های آنان همچون ایجاد شغل، برقراری امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت‌ها، تامین اجتماعی کارا و موثر، ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها و غیره پاسخگو می‌باشند. بدیهی است که دستیابی و برقراری این اهداف مستلزم وجود منابع مالی مکفی خواهد بود. از این رو، بحث مالیات از دیرباز موضوعی مطرح در جوامع بوده که توجه نهادها و افراد مختلف را به خود جلب نموده و با مرور زمان رنگ و بوی علمی به خود گرفته است (زهی و محمدخانی، ۱۳۸۹). به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیر بدیهی آن بر جوامع و دولت‌ها، موضوع مالیات و قوانین و سازوکارهای مربوط به آن از دیرباز مورد توجه صاحب نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته و امروزه با ظهور مفاهیمی چون مردم‌سالاری، دموکراسی و پاسخگویی رنگ و بوی ویژه‌ای به خود گرفته است. در نتیجه قوانین مالیاتی از جمله قوانین مادر در زمینه‌های اقتصادی و شاید یکی از مهم‌ترین ارکان اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت است (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۸). مالیات یکی از معیارهای مهمی است که دولت‌ها به وسیله آن در متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و تخصیص منابع اثر می‌گذارند. در واقع مالیات قسمتی از درآمد و دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی کشور، به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت از افراد و بنگاه‌ها وصول می‌شود. در گذشته هدف از وضع و اخذ مالیات تامین مالی دولت‌ها بوده است، اما به تدریج و با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات به عنوان ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی و مورد توجه قرار گرفته است (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).

مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند. به عنوان مثال واتس (۲۰۰۳) چهار عامل را برای اعمال محافظه کاری بیان می‌کند که یکی از آن‌ها مالیات می‌باشد. شرکت‌ها انگیزه دارند تا با اعمال حسابداری محافظه کارانه در هزینه‌ی مالیات خود صرفه جویی نمایند؛ از سوی دیگر بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد دولت از انگیزه مالیاتی محافظه کاری شرکت‌ها آگاه است و این اقدامات را قانونی قلمداد می‌نماید و با وضع مالیاتی بیشتر از مالیات ابرازی، شرکت‌هایی که رویه محافظه کارانه‌ای در پیش گرفته‌اند را جریمه نمی‌نماید. در واقع این مطالعات نشان می‌دهند حسابداری محافظه کارانه ابزاری سودمند برای به تعویق انداختن و صرفه جویی در هزینه مالیات می‌باشد. با این حال باید توجه نمود که محافظه کاری منجر به حذف مالیات نمی‌شود، بلکه با به تعویق انداختن زمان شناسایی و پرداخت مالیات، ارزش فعلی مالیات‌های پرداختنی را کاهش و از این طریق شرکت منتفع می‌گردد. با این حال استراتژی دیگری برای کاهش مالیات بر عملکرد وجود دارد. گزارشگری متهورانانه مالیاتی (اجتناب مالیاتی) و مدیریت سود از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرد. در حالی که محافظه کاری و مدیریت سود، شناسایی مالیات را به تعویق می‌اندازند، اجتناب مالیاتی می‌تواند قضیه پرداخت مالیات را کاملاً منتفی نماید. با توجه به این مطالب، این پژوهش به بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانانه در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

کیم و یانگ (۲۰۰۷) با بررسی ۲۲۵۱ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۲ به بررسی تأثیر هزینه مالیات بر حسابداری

محافظه کارانه پرداختند. آنها دریافتند سطح محافظه کاری با میزان مالیات متحمل شده شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد. به بیان دیگر آنها نشان دادند شرکت‌های با نرخ نهایی مالیاتی بالا، بیشتر از محافظه کاری غیر شرطی استفاده می‌نمایند و بالعکس.

لنوکس و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی رابطه بین مالیات متهورانه و تقلب در حسابداری را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را در دو بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ مورد آزمون قرار دادند و به این نتایج رسیدند که شرکت‌هایی که از مالیات متهورانه کمتر استفاده می‌کنند، به طور فریب کارانه در درآمدهای خود را دستکاری می‌کنند و شرکت‌هایی که مالیات متهورانه بکار می‌برند، کمتر مرتکب تقلب در حسابداری می‌شوند.

ایزابل و کویرلات (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود، با هدف کاهش مالیات بر درآمد در کشور انگلیس طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین محافظه کاری و مدیریت سود رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و شرکت‌هایی که سود محافظه کارتری دارند گزارشگری مالیاتی متهورانه تری نیز دنبال می‌کنند.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالیات بر درآمد بر حسابداری محافظه کارانه پرداختند. برای این منظور، از مدل رگرسیون چندگانه و برای عملیاتی نمودن محافظه کاری، از مدل فلتهم و اولسون (۱۹۹۵) و برای مالیات بر درآمد، از متوسط مالیات ابرازی سه سال گذشته شرکت و مالیات تشخیصی استفاده کردند. نتیجه بررسی ۱۰۷۶ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ و به صورت مدل پنل نامتوازن، مبین آن بود که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه مثبت و معناداری بین مالیات ابرازی و محافظه کاری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، فرضیات به شرح زیر تدوین شده اند:

فرضیه اول: مدیریت سود بر گزارشگری مالیاتی متهورانه تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه اثر تعدیل کننده دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات نیمه تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و از نظر بعد زمانی نیز، از نوع تحقیقات پس رویدادی است، زیرا از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و وبسایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی و به کمک نرم افزار Eviews⁹ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۲ به مدت ۸ سال بوده است که در طی این دوره در بورس اوراق بهادار فعالیت داشته‌اند. علاوه بر این، جامعه آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

- (۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۸۵ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛
 - (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره‌ی تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛
 - (۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد؛
 - (۴) از مجموعه شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ و واسطه‌ای مانند بانک و بیمه نباشد.
- پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۹۵ شرکت، برای بررسی و آزمون انتخاب شده‌اند.

مدل پژوهش

$$BTD_{it} = \beta_0 + \beta_1 DAC_{it} + \beta_2 CONS_{it} + \beta_3 DAC_{it} * CONS_{it} + \beta_4 CFO_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 LEVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

β_1 نشان دهنده تأثیر مدیریت سود بر گزارشگری مالیاتی متهورانه و β_3 نیز اثر تعدیل‌کنندگی حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه است.

که در این مدل:

BTD_{it} : گزارشگری مالیاتی متهورانه، DAC_{it} : مدیریت سود، $CONS_{it}$: حسابداری محافظه کارانه، $CFOR_{it}$: نسبت جریان نقد عملیاتی، $SIZE_{it}$: اندازه شرکت، $LEVE_{it}$: نسبت استقراض و E : جزء خطا است.

متغیرهای پژوهش و نحوه‌ی سنجش آنها

متغیر وابسته: گزارشگری مالیاتی متهورانه

برای محاسبه گزارشگری مالیاتی متهورانه از روش‌های متعددی که عموماً مبتنی بر نرخ موثر مالیاتی می‌باشد استفاده شده است. نکته قابل توجه اینکه برای بررسی گزارشگری مالیاتی متهورانه می‌بایست با توجه به شرایط محیطی، از مدلی استفاده نمود که بتوان فعالیت‌های متهورانه مالیاتی شرکت‌ها را بهتر اندازه‌گیری نماید. در این خصوص بدیهی است که می‌بایست همواره به قوانین و مقررات مالیاتی محیط مورد بررسی توجه لازم نمود. مدل مورد استفاده برای عملیاتی کردن گزارشگری مالیاتی متهورانه بصورت ذیل می‌باشد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳):

نرخ واقعی مالیات - نرخ قانونی مالیات = گزارشگری مالیاتی متهورانه

نرخ واقعی مالیات شرکت از تقسیم هزینه مالیات بر درآمد بر درآمد قبل از کسر مالیات بدست می‌آید. این نرخ نشان می‌دهد مالیات بر درآمد شرکت چند درصد درآمد قبل از کسر مالیات می‌باشد. با توجه به اینکه تمام درآمدهای شرکت ممکن است مشمول مالیات نباشند، در نتیجه این نرخ تحت تأثیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت قرار می‌گیرد. برای محاسبه نرخ قانونی مالیات شرکت، با توجه به ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی که در سال ۱۳۸۸ ارائه و در سال ۱۳۸۹ دستورالعمل مربوطه تصویب و ابلاغ گردید، اقدام به تعیین نرخ مالیات می‌شود. بدین صورت که نرخ مالیاتی شرکت‌ها تا قبل از سال ۱۳۸۸ با نرخ ۲۲/۵ درصد (۱۰ درصد معافیت مالیاتی شرکت‌های بورسی، موضوع ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم) و از سال ۱۳۸۹ به بعد چنانچه سهام شناور شرکت حداقل ۲۰ درصد بوده باشد، با نرخ ۲۰ درصد و در غیر اینصورت با نرخ ۲۲/۵ درصد تعیین گردیده است. در این خصوص یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی شرکت‌ها مطالعه و بررسی گردید تا با نرخ قانونی مالیات شرکت تعیین و تطبیق یابد. اختلاف بین نرخ واقعی مالیات و نرخ مالیات مبین آن است که شرکت

چه میزان گزارشگری مالیاتی متهورانه داشته است. در نتیجه به نظر می‌رسد معیار مناسب و بهتری برای عملیاتی نمودن گزارشگری مالیاتی متهورانه در ایران باشد.

متغیر مستقل: مدیریت سود

بر اساس مطالعات انجام شده توسط دچو و همکاران (۱۹۹۵)، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۸۶) قویترین مدل برای اندازه‌گیری مدیریت سود است. براین اساس در پژوهش حاضر از مدل مذکور برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل اقلام تعهدی از تفاوت بین سود عملیاتی شرکت و جریان نقد عملیاتی به دست می‌آید. پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به منظور تعیین اقلام تعهدی غیراختیاری، از طریق فرمول زیر برآورد می‌شوند:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{A_{it-1}} + \varepsilon \quad \text{رابطه ۲}$$

TA_{it} : کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t ، A_{it} : ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت شرکت i در سال $t-1$ ، ΔRev_{it} : تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و $t-1$ ، ppe_{it} : اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص شرکت i در سال t ، اقلام تعهدی غیر اختیاری نیز به شرح زیر تعیین می‌شوند:

$$NDA_{it} = \alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it} - \Delta rec_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{A_{it-1}} + \varepsilon \quad \text{رابطه ۳}$$

در نهایت اقلام تعهدی اختیاری (DA_{it}) پس از تعیین NDA_{it} به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - NDA_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

متغیر تعدیل‌گر: حسابداری محافظه کارانه

جهت سنجش محافظه‌کاری از روش‌ها و مدل‌های متعددی می‌توان استفاده نمود. در خصوص انگیزه‌های مالیاتی محافظه‌کاری باید به توضیحات و تفاسیر و قوانین مالیاتی محافظه‌کاری توجه نمود، زیرا قانون مالیاتی می‌بایست حسابداری محافظه کارانه را مجاز دانسته باشد، در غیر این صورت هزینه‌ها و آثار مربوطه را غیر قابل قبول تلقی می‌نماید و محافظه‌کاری بکار گرفته شده توسط شرکت‌ها تأثیری بر هزینه واقعی مالیات نخواهد داشت. با توجه به قانون مالیاتی ایران و اعمال یکسری محدودیت در خصوص هزینه‌های قابل قبول، از قبیل

هزینه کاهش ارزش موجودی ها، دارائی های ثابت و سرمایه گذاری ها، هزینه مطالبات سوخت شده و مشکوک الوصول و غیره، محدودیت هایی به شرکت ها تحمیل می گردد که اعمال محافظه کاری شرطی را با چالش مواجه می نمایند. بر این اساس شرکت هایی که برای مقاصد مالیاتی تمایل به بکارگیری حسابداری محافظه کارانه انگیزه دارند، این کار را با ارقام تعهدی غیرعملیاتی انجام می دهند. بر این اساس و با توجه به قوانین و شرایط کشور، به نظر می رسد در این رابطه مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) مدل مناسب تری باشد. این مدل روی ارقام تعهدی غیرعملیاتی متمرکز می گردد. دلیل استفاده از ارقام تعهدی منفی به عنوان معیار اندازه گیری محافظه کاری این است که حسابداری محافظه کارانه از ارقام تعهدی به عنوان ابزار و مکانیسمی برای به تعویق انداختن سودهای غیر عملیاتی و تسریع در شناسایی زیان های غیر عملیاتی استفاده می نماید. این فرایند منجر به افزایش روزافزون ارقام تعهدی غیرعملیاتی شرکت ها می شود (گیولی و هاین، ۲۰۰۰). یکی از محاسن مدل فوق، سنجش محافظه کاری بر مبنای ویژگی خاص شرکت می باشد. به عبارتی با توجه به اینکه اعمال محافظه کاری در شرکت های مختلف ممکن است متفاوت باشد، این مدل سعی دارد محافظه کاری را با توجه به شرکت یا صنعت مربوطه اندازه گیری نماید. از دیگر مزایایی که می توان برای این مدل برشمرد این است که این مدل برخلاف مدل هایی مانند باسو (۱۹۹۷) یا فلتهم و اولسون (۱۹۹۵) مبتنی بر بازار و کارکرد آن نمی باشد. در نتیجه این مدل را می توان برای شرکت های خصوصی و شرکت هایی که قیمت بازار آن ها در دسترس نیست بکار برد (وانگ، ۲۰۰۹؛ بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸ و مهران و سیدی، ۱۳۹۳). به طور خلاصه میزان محافظه کاری در این پژوهش بدینصورت محاسبه می شود:

رابطه (۵)

$$CONS_{it} = \frac{\text{جریان نقد عملیاتی} - \text{هزینه استهلاك} + \text{سود عملیاتی}}{\text{مجموع دارایی ابتدای های دوره}} * (-1)$$

متغیرهای کنترلی

نسبت جریان نقد عملیاتی: هر چه جریان نقد عملیاتی ایجاد شده در شرکت بیشتر باشد، توان پرداخت های نقدی از جمله مالیات بیشتر خواهد بود. این متغیر از طریق نسبت جریان نقد

عملیاتی (قابل استخراج از صورت گردش وجه نقد) به جمع کل دارایی‌های اول دوره شرکت بدست می‌آید.

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال.

نسبت استقراض: عبارت است از نسبت جمع بدهی‌های بهره‌دار به جمع دارایی‌های شرکت در هر سال.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق به شرح نگاره (۱) می‌باشد. در این نگاره، میانگین متغیرهای کمی تحقیق آورده شده است:

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی تحقیق

CFO	LEVE	SIZE	CONS	DAC	BTD	
۰/۲۷	۰/۶۰	۵/۹۴	-۰/۰۳۸	۰/۰۸	۰/۱۰	میانگین
۰/۱۳	۰/۶۴	۵/۹	-۰/۰۲۷	-۰/۰۲	۰/۰۹	میانه
۲/۸۶	۰/۷۹	۸/۱۷	-۰/۰۹	۰/۶۵	۰/۲۷	حداکثر
-۳/۵۷	۰/۱۰	۴/۰۱	۰/۵۴	-۰/۳۳	-۰/۰۹	حداقل
۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۸	انحراف معیار
۱۵۶۰	۱۵۶۰	۱۵۶۰	۱۵۶۰	۱۵۶۰	۱۵۶۰	تعداد مشاهدات

متوسط گزارشگری مالیاتی متهورانه شرکت‌ها بطور میانگین ۰/۱۰ درصد می‌باشد. این مطلب نشان می‌دهد به طور متوسط نرخ واقعی مالیات شرکت‌ها ۱۲/۵ درصد درآمد قبل از کسر مالیات می‌باشد. علاوه بر این به طور متوسط شرکت‌های انتخابی ۰/۰۸ مدیریت سود و ۰/۰۳۸ حافظه کاری اعمال نموده‌اند.

آزمون پایایی پژوهش

پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. آزمون پایایی با استفاده از آزمون‌های لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، ایم، پسران و شین و آزمون ریشه واحد فیشر، دیکی فولر تعمیم یافته انجام شده است:

نگاره (۲): آزمون پایایی برای متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		لوین، لین و چو		فیشر و دیکی فولر	
		p. v	آماره	p. v	آماره	p. v	آماره
BTD		۰/۰۰۰	-۲۱/۹	۰/۰۰۰	-۳۳/۹	۰/۰۰۰	۲۷۶/۳
DAC		۰/۰۰۰	-۱۶/۳	۰/۰۰۰	-۱۷/۷	۰/۰۰۰	۳۲۹/۹
CONS		۰/۰۰۰	-۴۴/۸	۰/۰۰۰	-۴۳/۱	۰/۰۰۰	۲۱۲/۲
SIZE		۰/۰۰۶	-۳۴/۲	۰/۰۰۰	-۲۷/۲	۰/۰۰۰	۸۹۰/۸
LEVE		۰/۰۰۰	-۶۵/۱	۰/۰۰۰	-۹/۴	۰/۰۰۰	۲۱۳/۷
CFO		۰/۰۰۲	-۲۳/۷	۰/۰۰۰	-۲۱/۷	۰/۰۰۰	۲۷۰/۵

منبع: محقق

نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرهای پژوهش، در سطح ۵٪ پایا هستند و استفاده از آنها در برآورد مدل‌های پژوهش، منجر به نتایج رگرسیون کاذب نمی‌شود.

تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F مقید (چاو) استفاده شده است. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد.

نگاره (۳): نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

آزمون چاو	آماره F	p-v	نتیجه آزمون	نوع آزمون
H_0 : یکسانی عرض از مبدأ مقاطع	۱/۲۵	۰/۲۱	H_0 رد نمی‌شود	داده‌های تلفیقی

منبع: محقق

نتایج آزمون چاو فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را برای مدل پژوهش به طور قوی تأیید کرده است (سطح خطا بیشتر از ۵٪). بنابراین، روش تخمین داده‌های تلفیقی (Pooled data) برای برآورد مدل‌های آزمون و فرضیه‌های پژوهش، گزینه‌ی مناسب‌تری است. برای همسانی واریانس باقیمانده مدل نیز از آزمون‌های بروش-پاگان گادفری، آزمون آرچ و گلجسر و آزمون وایت استفاده شده است که نتایج هر سه آزمون نشان دهنده عدم همسانی واریانس بوده و به عبارتی باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل تحقیق، دارای واریانس

ثابت نیست. بنابراین برای تخمین مدل تحقیق از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) به جای حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می شود.

نگاره (۴): نتایج آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

آزمون آرج	آزمون وایت	آزمون گلجسر	آزمون بروش-پاگان	
۱۶/۸۷	۱۲/۴	۱۳/۴	۳/۷۸	آماره F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	p. v

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار اویوز در نگاره (۵) نشان داده شده است:

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به روش EGLS

VIF	سطح خطا	تی استیودنت	خطای استاندارد	ضرایب	پارامتر	شرح
-	۰/۰۰۰	۳/۶۱	۰/۰۶	۰/۲۳	α	عرض از مبدأ
۱/۰۵	۰/۰۰۰	۳/۱۵	۰/۰۷	۰/۲۲	β_1	DAC
۱/۰۳	۰/۰۰۰	۲/۶۷	۰/۰۴	۰/۱۲	β_2	CONS
۱/۰۲	۰/۰۱	۲/۳۹	۰/۱۳	۰/۳۳	β_3	Dac*Cons
۱/۰۱	۰/۰۰۰	۲/۵۱	۰/۱۱	۰/۲۸	β_4	CFO
۱/۲	۰/۰۰۰	۲/۹۶	۰/۰۳	۰/۰۹	β_5	SIZE
۱/۰۳	۰/۰۰۰	۲/۸۰	۰/۰۵	۰/۱۶	β_6	LEVE
۰/۴۷				ضریب تعیین تعدیل شده		
۲/۲۱				دوربین واتسن		
(۰/۰۰۰) ۲۶/۱۲				آماره F (معناداری F)		
(۰/۰۰۰) ۳۰/۱۰				آماره والد (معناداری)		

منبع: محقق

زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹). مقدار شاخص عامل تورم واریانس نشان می دهد که متغیرهای مستقل مدل تحقیق با هم مشکل همخطی شدید ندارند. معناداری آماره فیشر (۲۶/۱۲) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر

وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده‌ی حاصل از آزمون مدل $0/47$ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً $0/47$ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دورین-واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد، زیرا این مقادیر در فاصله $1/5$ تا $2/5$ می‌باشند.

فرضیه اول: "مدیریت سود بر گزارشگری مالیاتی متهورانه تأثیر معناداری دارد"

با توجه به نتایج نگاره‌ی (۵) آماره‌ی t مربوط به متغیر مستقل مدیریت سود (DAC) و سطح معناداری آن ($p < 0.05$) به ترتیب $3/15$ و $0/000$ بوده و ضریب آن نیز $0/22$ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $0/05$ بوده است، بنابراین مدیریت سود تأثیر معناداری بر گزارشگری مالیاتی متهورانه داشته و فرضیه‌ی اول پژوهش نیز در سطح اطمینان 95% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (DAC) مثبت می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه رابطه‌ای مثبت و مستقیمی است. به بیان دیگر، بر اساس فرضیه‌ی صرفه جویی مالیاتی، مدیران از ارقام تعهدی برای کمتر کردن و به تعویق انداختن مالیات استفاده می‌کنند. در واقع به دلیل وجود اختلاف بین استانداردهای حسابداری و قوانین و مقررات مالیاتی و عدم پذیرش مالیات اعلام شده از سوی مقامات مالیاتی، مدیران می‌توانند در یک دوره مالی سود بیشتری را به سهامداران و سود کمتری را به مقامات مالیاتی اظهار نمایند. به عبارت دیگر زمان پرداخت مالیات را به تعویق بیندازند.

فرضیه دوم: "محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه اثر تعدیل‌کنندگی دارد"

برای تأیید یا رد این فرضیه ابتدا به ضریب مدیریت سود (DAC) توجه می‌کنیم. همانطور که مشخص است ضریب این متغیر $0/22$ و در سطح اطمینان 95% نیز معنادار است که این موضوع نیز در فرضیه اول نیز تأیید شده بود. حال به ضریب حسابداری محافظه‌کارانه (CONS) توجه می‌کنیم که این ضریب نیز $0/12$ بوده و در سطح اطمینان 95% مورد تأیید قرار گرفته است. در مرحله بعد ضریب متغیر (DAC*CONS) مورد بررسی قرار می‌دهیم. این ضریب $0/33$ بوده و آماره‌ی تی استیودنت و سطح معناداری آن نیز به ترتیب $2/39$ و $0/01$ بوده است که نشان از تأیید فرضیه در سطح اطمینان 95% می‌باشد. در واقع ضریب مدیریت سود زمانی که در حسابداری

محافظه کارانه ضرب می شود از ۰/۲۲ به ۰/۳۳ افزایش می یابد. برای مقایسه این ضرایب از آزمون والد استفاده شده است. معنادار بودن آماره والد (۳۰/۱۰) نشان می دهد که ضریب مدیریت سود (۰/۲۲) به صورت معناداری از ضریب مدیریت سود ضرب در محافظه کاری حسابداری (۰/۳۳) کوچکتر است. این موضوع بدان معناست که تأثیر مدیریت سود به تنهایی بر روی گزارشگری متهورانه از زمانی که این متغیر در محافظه کاری ضرب می شود و حالت تعاملی ایجاد می کند، کمتر است و حسابداری محافظه کارانه باعث افزایش رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری متهورانه مالیاتی می شود. به عبارتی زمانی که شرکتی سود آور است و سود مشمول مالیات دارد با استفاده از روش های حسابداری محافظه کارانه و دستکاری سود، سود ابرازی خود را کمتر نشان داده و مالیات پرداختی را به تعویق انداخته و با این عمل، ارزش فعلی مالیات های خود را کاهش می دهد. همچنین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و جریان نقد عملیاتی باعث کاهش گزارشگری مالیاتی متهورانه شده ولی استقراض مالی آن را افزایش می دهد به عبارتی شرکت هایی که نسبت استقراض مالی آنها بالا باشد بیشتر اقدام به راه های کاهش مالیات و به تعویق انداختن آن می کنند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

این تحقیق به بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین متغیر مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه بود. به عبارتی در شرکت هایی که مدیریت سود بالاتر است، سیاست مالیاتی آن شرکت ها متهورانه تر بوده، زیرا این شرکت ها سعی در جابه جایی و ممانعت از خروج مالیات و نقدینگی از شرکت خواهند نمود و با استفاده از مدیریت سود اقدام به انتقال هزینه ها و درآمدها و در نتیجه میزان مالیات به دوره های بعدی را دارند. علاوه بر این محافظه کاری یکی از راهکارهایی است که شرکت ها می توانند با بکارگیری آن، سود قبل از مالیات و به تبع آن مالیات را کاهش دهند. نتایج تحقیق نشان داد که محافظه کاری حسابداری باعث تعدیل رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری متهورانه مالیاتی شده و آن را افزایش می دهد. به عبارت دیگر محافظه کاری از طریق کنترل و شناسایی کردن سود باعث کمتر نشان دادن مالیات و در نتیجه به تعویق انداختن آن می شود و شرکت هایی که سود آور هستند و سود مشمول مالیات دارند، انگیزه دارند تا با تعویق انداختن شناسایی

درآمدهای خود ارزش فعلی مالیات‌های خود را کاهش دهند. این تحقیق مبین آن است که سیاست به تعویق انداختن مالیات بوسیله اعمال حسابداری محافظه کارانه و کاهش ارزش فعلی مالیات‌های پرداختنی، رویه ای کارا و موثر می‌باشد که می‌تواند مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرد. با این حال باید به این نکته توجه نمود که محافظه‌کاری عموماً شناسایی و پرداخت مالیات را منتفی نمی‌نماید، بلکه با به تعویق انداختن زمان شناسایی و پرداخت آن، ارزش فعلی مالیات‌های پرداختنی را کاهش و از این طریق شرکت در کوتاه مدت منتفع می‌گردد. نتایج یافته‌های این پژوهش با تحقیقات مهرانی و سیدی (۱۳۹۳)، کیم و یانگ (۲۰۰۷)، لئوکس و همکاران (۲۰۱۳)، ایزابل مارز و کویرلات (۲۰۱۵) همخوانی دارد. با این تفاسیر به تصمیم گیرندگان و استفاده کنندگان توصیه می‌شود در تصمیمات خود راجع به کاهش مالیات، جنبه‌های متهورانه مالیاتی و محافظه‌کاری و سایر پیامدهای برخاسته از هر یک از این استراتژی‌ها را مدنظر قرار دهند. علاوه بر این توصیه می‌شود تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری با اتخاذ تدابیر لازم شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را ملزم کنند تا مبلغ درآمد مشمول مالیات ابرازی خود به سازمان امور مالیاتی و چگونگی به دست آوردن آن را در گزارش‌های مالی خود انعکاس دهند.

محدودیت مهم این تحقیق نیز عدم افشای کامل و دقیق اطلاعات مربوط به عملکرد مالیاتی شرکت‌ها و اظهارنامه‌های آنها و گزارش حسابرسی مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد که بدین ترتیب تعداد شرکت‌ها کاهش یافت و انجام تحقیق در این حوزه را با مشکل مواجه ساخت.

منابع

- افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت. (۱۳۸۹). اقتصاد سنجی در حسابداری و اقتصاد، انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران.
- بنی مهد، بهمن و تهمینه باغبانی. (۱۳۸۸). اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱۶)، ۵۸: ۷۰-۵۳.
- خدای پور، احمد و ترک زاده، علی. (۱۳۹۰). مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال سوم، (۳)، شماره پیاپی ۹: ۱۲۷-۱۴۵.

زهی، نقی و شهرزاد محمد خانی. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی. پژوهش نامه مالیات، شماره (۹): ۲۵-۶۰.

مهرانی، ساسان و سیدجلال سیدی (۱۳۹۳). بررسی رابطه مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه. پژوهشنامه مالیات، (۲۲)، ۲۳: ۱۸۳-۱۵۹.

Basu, S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". Journal of Accounting and Economics 24 (1): 3- 37.

Dechow, P. , Sloan, R and Sweeney, A. (1995) , "Causes and Consequences of Earning Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions" , Contemporary Accounting Research, (13): 1-36.

Feltham G, Ohlson J. A. (۱۹۹۵) Valuation And Clean Surplus Accounting For Operating And Financial Activities, Contemporary Accounting Research; 11 (2): 689-731.

Givoly D, Hayn C. (2000). the Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?, Journal of Accounting and Economics; (29): 287-320.

Guenther, D. A. , E. L. May dew and s. e. Nutter, (1977) , Financial reporting, tax costs, and book-tax conformity, Journal of Accounting, No. (23) ,PP. 225-248.

Isabela Mares and Didac Queralt. (2015). The Conservative Origin of Income Taxation. <http://ssrn.com/abstract>

Jones, Steward, and Rohit Sharma. (1986). The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia's 'Old' and 'New' Economies. Managerial Finance 27 (12): 18-39.

Kim , B. and K. Jung. (2007). The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism ". Working Paper Working Paper. Korea Advanced Institute of Science and Technology.

Lennox et al. (۲۰۱۳). Empirical Tax Research in Accounting, Journal of Accounting and Economics, Vol. (32) , No. 1-3, PP. 321-387.

Wang, R, Z. (2009). measures of accounting conservatism: a construct validity perspective. Journal of Accounting Literature. Vol. (28) , p165-203.

Watts, R. (2003a). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. Accounting Horizons 17 (3): 207-222.